

فصلنامه علمی - پژوهشی روان شناسی دانشگاه تبریز

سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۸۵

رابطه‌ی کنش سبک‌های تفکر و سبک‌های هویت

دکتر بهرام جوکار - استادیار بخش روان شناسی تربیتی - دانشگاه شیراز

چکیده

با بهره‌گیری از نظریه‌ی خودگردانی ذهنی استرنبرگ و مدل سبک‌های هویت برزونسکی چگونگی ارتباط سبک‌های تفکر و سبک‌های هویت مورد بررسی قرار گرفت. شرکت کنندگان در پژوهش ۲۳۹ نفر از دانشجویان دختر (۱۱۳ نفر) و پسر (۱۲۶ نفر) رشته‌های مختلف تحصیلی دانشگاه شیراز بودند. در زمینه سبک‌های تفکر، تنها بخش مربوط به کنش سبک‌ها با استفاده از پرسشنامه "استرنبرگ" و "واگنر" مورد سنجش قرار گرفت که عبارتند از: قانون‌گذار، قضاوتی و اجرایی. برای سنجش سبک‌های هویت، از پرسشنامه‌ی تجدید نظر شده "وایت" و همکارانش (ISI-6G) استفاده شد. مطابق مدل برزونسکی، سبک‌های هویت عبارتند از: اطلاعاتی، هنجاری و گسیخته-اجتنابی. پایایی پرسشنامه‌ها به روش آلفای کرونباخ و روایی آنها با استفاده از روش تحلیل عوامل احراز گردید. یافته‌های پژوهش وجود رابطه میان سبک‌های تفکر و هویت را تایید نمود. نتایج حکایت از آن دارد که هر یک از سبک‌های هویت، توسط نیم رخ متفاوتی از کنش سبک‌های تفکر پیش‌بینی می‌شوند. بحث تفصیلی پیرامون نتایج در اصل مقاله آورده شده است.

کلید واژه‌ها: سبک‌های تفکر، سبک‌های هویت، خودگردانی ذهنی.

متغیری، توجیه‌گر تفاوت‌های فردی و رفتاری مورد توجه اندیشمندان و محققان قرار گرفت و بر این اساس مدل‌ها و نظریه‌های متعدد پیرامون آن شکل گرفت. در دهه‌های اخیر برخی نظریه پردازان با دو رویکرد تحقیقاتی اقدام به منسجم نمودن نظریه‌های موجود نمودند. در رویکرد اول تلاش شد تا چهارچوب‌های مفهومی موجود در نظریه‌ها منسجم گردند. رویکرد دوم، شامل تحقیقات تجربی پیرامون چگونگی ارتباط نظریه‌های مختلف بود (زانگ، ۲۰۰۰).

استرنبرگ (۱۹۹۷) با رویکرد اول، نظریه‌ها و مدل‌های موجود در زمینه سبک‌های تفکر را به سه گروه دسته‌بندی نمود که عبارتند از: شناختی محور، شخصیت محور و فعالیت محور.

از نظریه‌های مطرح در رویکرد شناختی می‌توان به نظریه‌های حوزه وابسته - ناوابسته «ویتکین» و تکانشی - تا ملی «کاگن» اشاره کرد (به نقل از زانگ، ۲۰۰۰). در رویکرد شخصیت محور، نظریه‌هایی نظیر، تیپ‌های شغلی «هالند» و توانمندی «گریگورک» شامل تیپ‌های عینی نگر- انتزاعی نگر و توالی نگر- تصادفی نگر، مطرح شدند (به نقل از زانگ، ۲۰۰۰). در رویکرد فعالیت مدار بیشتر بر کنش و فعالیت‌های فرد در موقعیت‌های زندگی نظیر کار و تحصیل تأکید شده است. نظریه‌های

سبک‌های یادگیری مارتون، بیگن و انتویست درباره سبک‌های عمیق و سطحی از جمله نظریه‌های مطرح در این زمینه است (به نقل از زانگ، ۲۰۰۰).

نظریه‌ی خودگردانی ذهنی استرنبرگ (۱۹۸۸، ۱۹۹۴، ۱۹۹۷) در زمینه‌ی سبک‌های تفکر بر اساس رویکردهای مذکور تکوین یافته است. وی شیوه‌های متفاوت افراد برای پردازش اطلاعات را سبک تفکر تعریف نموده و معتقد است این سبک‌ها روشهای ترجیحی افراد در بهره‌گیری از توانایی‌هایشان است و معادل با توانایی نمی‌باشند. توانایی، از عهده‌ی کاری برآمدن، ولی سبک، ترجیح چگونه انجام دادن کار است (استنبرگ ۱۹۹۷). در نظریه‌ی خودگردانی استرنبرگ، سیزده سبک تفکر مطرح شده است که بر مبنای نوع و شکل حکومت‌ها نام‌گذاری شده‌اند. این سبک‌ها به لحاظ کنش^۱ به سبک‌های قانون‌گذار^۲، اجرایی^۳ و قضایی^۴؛ به لحاظ شکل^۵ به فردسالار^۶، سلسله‌مراتبی^۷، جرگه‌سالاری^۸ و هرج و مرج طلبی^۹؛ از نظر سطوح^{۱۰} به کلی^{۱۱} و جزئی^{۱۲}؛ از نظر دامنه^{۱۳} به درونی^{۱۴} و بیرونی^۱ و از لحاظ گرایش‌ها^۲ به آزادمنشانه^۳ و محافظه‌کارانه^۴ تقسیم شده‌اند.

- 1 - Function
- 2 - Legislative
- 3 - Executive
- 4 - Judicial
- 5 - Form
- 6 - Monarchic
- 7 - Hierarchic
- 8 - Oligarchic
- 9 - Anarchic
- 10 - Levels
- 11 - Global
- 12 - Local
- 13 - Scope
- 14 - Internal

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در پژوهش حاضر با توجه به هدف تحقیق تنها بعد کنش سبک‌های تفکر از نظریه‌ی استرنبرگ برگزیده شد. در سبک قانون‌گذار افراد تمایل دارند تا کارها را به شیوه‌ی خودشان انجام دهند و تصمیم‌گیری راجع به مورد و چگونگی امور در حوزه‌ی اختیارات خودشان باشد و به اموری که از قبل طراحی و سازمان‌دهی شده باشد تمایل ندارند. افرادی با سبک قضاوت‌گر تمایل به ارزیابی قوانین و برنامه‌ها دارند، اموری را ترجیح می‌دهند که در آن عقاید و مسایل موجود مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرند. در سبک اجرایی، افراد مایلند از مقررات پیروی کنند و کارهایی را بر عهده بگیرند که از قبل طراحی و سازمان‌دهی شده باشد. این سبک‌ها به ترتیب شبیه به قوای مقننه، قضائیه و مجریه در ساختار حکومت هستند.

تحقیقات متعددی پیرامون ارتباط سبک‌های تفکر و سازه‌های مختلف روانی و تحصیلی انجام گرفته است. از جمله می‌توان به ارتباط سبک‌های تفکر و رشد شناختی (زانگ ۲۰۰۲b)، تحول روانی - اجتماعی (زانگ ۲۰۰۲a)، عزت نفس (زانگ و پاستیگلیون ۲۰۰۱)، تیپ‌های شخصیتی (زانگ، ۲۰۰۰؛ زانگ، ۲۰۰۱؛ باستو، پرنیز، ال شات، هاماکر، ۱۹۹۹) و خلاقیت (استرنبرگ، اوهار، و لاریات ۱۹۹۷، امامی‌پور و سیف ۱۳۸۲) اشاره نمود.

در پژوهش حاضر رابطه این کنش‌ها (سبک‌های قانون‌گذار، قضاوتی و اجرایی) با سبک‌های هویت مورد بررسی قرار گرفت. در واقع، هدف پژوهش حاضر، بررسی قدرت پیش‌بینی هریک از سبک‌های تفکر در ارتباط با سبک‌های هویت بود. در زمینه سبک‌های هویت مدل برزونسکی (۱۹۸۹، ۱۹۹۴a) مورد ارجاع قرار گرفت. در این مدل، که شکل توسعه یافته‌ی نظریه‌ی مارسیا در زمینه وضعیت‌های هویت است، سبک‌های

¹ - External

² - Leanings

³ - Liberal

⁴ - Conservative

هویت به اطلاعاتی^۱ هنجاری^۲ و گسیخته - اجتنابی^۳ تقسیم شده‌اند. این سبک‌ها اشاره به راهبردها یا فرایندهای برخورد با تعارض، های هویت دارد. به عبارت دیگر سبک‌های هویت، ترجیح نسبی افراد برای به کارگیری شیوه‌های خاص حل مسائل هویتی و پردازش اطلاعات مربوط به خود است.

افرادی با سبک اطلاعاتی در برخورد با مسایل هویتی به شیوه‌ی کنشی^۴ عمل می‌کنند. کنکاش‌هایشان هدفمند است، ارزیابی و نقادی در تفکر دارند و از اطلاعات مربوط به خویش^۵ بهره می‌گیرند. این سبک با ویژگی‌هایی همچون مسئله‌مداری، هوشیاری در تصمیم‌گیری، خود اکتشافی مستمر، استقلال در قضاوت، باز بودن در تجارب، پیچیدگی شناخت، خردگرایی، و درون‌نگری رابطه دارد (برزونسکی، ۱۹۹۰/ به نقل از برزونسکی، ماسک، و نرمی، ۲۰۰۳).

در سبک هنجاری فرد در برخورد با مسایل به شیوه‌ی واکنشی^۶ عمل می‌کند. هماهنگ با انتظارات و تجویزهای گروه‌های مرجع و دیگران مهم عمل می‌کند و به صورت خودکار و بدون خود ارزیابی ارزش‌ها و باورها را درونی می‌کنند (برزونسکی، ۱۹۹۰/ به نقل از برزونسکی و همکاران ۲۰۰۳). این سبک با ویژگی‌هایی همچون وظیفه‌شناسی، کمک خواهی، ناشکیبایی در برابر ابهام، میل شدید به ساختارمندی قضایا، خود پنداره‌ی پایدار، و عدم تمایل به بررسی اطلاعات ناهماهنگ با ارزش‌ها و باورها، رابطه دارد (برزونسکی ۱۹۹۲، ۱۹۹۷؛ برزونسکی و سالیوان ۱۹۹۲؛ دالینگر، ۱۹۹۵؛ و نرمی، برزونسکی، تامی، و کینی، ۱۹۹۷). مطالعات فرسبی

¹ - Informative

² - Normative

³ - Diffuse-Avoidant

⁴ - Proactive

⁵ - Self-relevant information

⁶ - Reactive fashion

افرادى با سبک گسيخته - اجتنابى، اهمال کار هستند و تا حد ممکن سعى در به تأخير انداختن موقعيت‌هاى تعارض انگيز و تصميم‌گيرى دارند. در مواقعى که امکان چنين تأخيري وجود نداشته باشد در تصميم‌گيرى بيشتر به مقتضيات و پيامدهاى محيطى تکیه مى‌کنند (برزونسكى، ۱۹۹۰/ به نقل از برزونسكى و همکاران، ۲۰۰۳)، رفتارهايشان الگويى مشخص ندارد و موقعيتى است. اين سبک هويت با هيچان مدارى، خود معلولى، راهبردهاى نامطلوب تصميم‌گيرى، خود آگاهى محدود، دگر پيروى و به کارگيرى راهبردهاى اسنادى و شناختى ناکارآمد رابطه دارد (برزونسكى ۱۹۹۲، ۱۹۹۷؛ نرمى و همکاران ۱۹۹۷).

بنابراين در پژوهش حاضر هدف مشخص نمودن اين مسئله بود که آيا سبک‌هاى تفکر ارتباطى با سبک‌هاى پردازش اطلاعات مربوط به خود دارند؟ در واقع اين پژوهش به نوعى سنجش روايى مدل‌هاى ارائه شده توسط استرنبرگ و برزونسكى بود. پژوهش‌هاى زانگ (۲۰۰۲a، ۲۰۰۲b و ۲۰۰۲c) در زمينه رابطه‌ى سبک‌هاى تفکر با رشد روانى اجتماعى، رشد شناختى، تيپ‌هاى شخصيتى و الگوهاى تفکر از جمله پژوهش‌هاى مشابه پژوهش حاضر است. زانگ در اين پژوهش‌ها نشان داد که بين ابعاد شناختى، اجتماعى و شخصيتى با سبک تفکر رابطه وجود دارد. فرضيه‌ى اصلى پژوهش حاضر آن بود که سبک تفکر قانون گذار و قضايى، سبک هويت اطلاعاتى و سبک تفکر اجرايى، سبک هويت هنجارى را پيش بينى مى‌کنند. در مورد سبک هويت گسيخته، فرض آن بود که همه‌ى سبک‌هاى تفکر به گونه‌اى منفي اين سبک را پيش بينى کنند.

روش تحقيق

جامعه‌ى آمارى

جامعه پژوهش حاضر دانشجويان مقطع کارشناسى رشته‌هاى مختلف تحصيلى دانشگاه شيراز بودند. نمونه پژوهش شامل ۲۳۹ دانشجوى (۱۲۶ نفر پسر و

۱۱۳ نفر دختر) بخش‌های مختلف دانشگاه شیراز بود که به شیوه خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. به این ترتیب که از هر دانشکده یک بخش به صورت تصادفی انتخاب و سپس کلیه دانشجویان ترم چهار آن بخش در یکی از کلاس‌های مشترک، به صورت گروهی مورد ارزیابی قرار گرفتند. علت انتخاب ترم چهارم آن بود که عامل سن و تأثیرپذیری از دانشگاه، در بین رشته‌ها، تا حدودی کنترل شود. از مجموع ۲۳۸ پرسشنامه تکمیل شده ۲۱ پرسشنامه به دلیل عدم دقت یا نقص در پاسخگویی مورد تحلیل قرار نگرفت و در تحلیل نهایی نمونه پژوهش به ۲۱۸ نفر (۱۱۵ دانشجوی پسر و ۱۰۳ دانشجوی دختر) تقلیل یافت. لازم به ذکر است که دانشکده‌ی دامپزشکی به دلیل نبود مقطع کارشناسی و بعد مسافت و دانشکده‌ی کشاورزی نیز به دلیل بعد مسافت از جامعه‌ی مورد نظر حذف شدند.

ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه‌ی سبک‌های تفکر استرنبرگ

به منظور اندازه‌گیری بعد کنش سبک‌های تفکر تعداد ۲۴ گویه از پرسشنامه سبک‌های تفکر استرنبرگ و واگنر (۱۹۹۲/ به نقل از استرنبرگ ۱۹۹۷) استخراج شد. در این پرسشنامه به ازای هر یک از سبک‌های قانون‌گذار، قضاوتی و اجرایی ۸ گویه در نظر گرفته شده است. پاسخ‌ها به صورت طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف بودند) و هر گویه از ۵ (برای کاملاً موافق) تا ۱ (برای کاملاً مخالف) نمره‌گذاری شد.

به منظور تعیین روایی پرسشنامه از تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس استفاده شد ملاک استخراج عوامل شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. که براساس این ملاک‌ها ۳ عامل استخراج شد. سؤالات ۱۴، ۱۱، ۵، ۳، ۲، ۱۶ به دلیل بار عاملی مشترک و پایین در هر ۳ عامل از مجموع سؤالات حذف شدند و در نهایت سبک قانون‌گذار و سبک قضاوتی هر کدام با ۷ گویه و سبک

اجرائی با ۴ گویه در پرسشنامه سنجیده شدند. در جدول ۱ نتایج تحلیل عاملی آورده شده است. مقدار ضریب KMO برابر ۰/۷۶ و ضریب کرویت بارتلت برابر ۱۱۱۹/۴۳ ($P < /0.001$) بود که نشان از کفایت نمونه‌گیری سؤالات و کفایت ماتریس همبستگی پرسشنامه داشت.

برای تعیین پایایی از ضریب پایایی آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب پایایی برای سبک‌های قانون‌گذار، قضاوتی و اجرایی به ترتیب برابر با ۰/۷۰ و ۰/۷۲ و ۰/۶۶ بود که با توجه به تعداد گویه‌ها ضرایب مطلوبی می‌باشند.

۲- پرسشنامه‌ی سبک‌های هویت

در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری سبک‌های هویت از پرسشنامه‌ی سبک‌های هویت وایریش کلاس شش ساخته وایت و همکارانش (۱۹۹۸) استفاده شد. این پرسشنامه برگرفته از مدل برزونسکی است و شامل ۱۱ گویه برای سبک اطلاعاتی، ۹ گویه برای سبک هنجاری، ۱۰ گویه برای سبک سردرگم اجتنابی و ۱۰ گویه برای بعد تعهد بود که در پژوهش حاضر گویه‌های تعهد مورد تحلیل قرار نگرفت چرا که برزونسکی (۱۹۹۴b) آن را یک سبک هویت نمی‌داند. در مقابل هر گویه از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است که کاملاً موافق، نمره ۵ و کاملاً مخالف، نمره ۱ می‌گرفت. به منظور تعیین روایی از روش تحلیل عوامل و برای تعیین پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

نتایج تحلیل عاملی به روش مولفه‌های اصلی، با چرخش واریماکس وجود ۳ عامل در گویه‌ها را تأیید نمود. ملاک استخراج عوامل شیب اسکری و ارزش ویژه، بالاتر از یک بود. از مجموع گویه‌ها، ۴ گویه از سبک اطلاعاتی، ۲ گویه مربوط به سبک هنجاری و ۳ گویه از سبک - اجتنابی گسیخته به دلیل پایین بودن بار عاملی یا تداخل گویه‌ها در چند عامل حذف شدند. در نهایت از مجموع ۳۰ گویه ۹ گویه حذف شد. مقدار ضریب KMO برابر ۰/۷۲ و ضریب کرویت بارتلت برابر با ۸۷۹/۶۳

($P < 0/0001$) بود که نشان از کفایت نمونه‌گیری و ماتریس همبستگی گویه‌ها داشت. در جدول شماره ۲ نتایج تحلیل عاملی این پرسشنامه آورده شده است.

جدول ۱- تحلیل عوامل کنش سبک‌های تفکر جدول ۲- تحلیل عوامل سبک‌های هویت

گویه ۲۸	قانون گذار	قضائی	اجرایی
۱	۰/۶۷		
۴	۰/۴۹		
۷	۰/۴۸		
۱۰	۰/۵۲		
۱۳	۰/۶۷		
۱۹	۰/۵۲		
۲۲	۰/۷۳		
۶		۰/۵۰	
۹		۰/۷۰	
۱۲		۰/۵۸	
۱۵		۰/۵۱	
۱۸		۰/۵۹	
۲۱	۰/۵۳		
۲۴	۰/۶۴		
۸			۰/۶۹
۱۷			۰/۷۰
۲۰			۰/۶۰
۲۳			۰/۷۱
مقدار ارزش ویژه	۲/۷۱	۲/۵۸	۲/۲۲
درصد واریانس	۵۱/۱	۱۴/۳۸	۱۲/۳۴

گویه‌ها	اطلاعاتی	هنجاری	گسیخته
۱	۰/۷۱		-
۵	۰/۴۴		
۱۶	۰/۶۵		
۲۱	۰/۴۳		
۲۳	۰/۵۰		
۲۴	۰/۵۸		
۲۸	۰/۵۷		
۲		۰/۳۷	
۳		۰/۵۵	
۷		۰/۵۵	
۱۲		۰/۵۳	
۱۷		۰/۴۹	
۲۵		۰/۴۷	
۳۰		۰/۵۵	
۸			۰/۶۰
۱۰			۰/۵۳
۱۸			۰/۴۳
۲۰			۰/۴۹
۲۲			۰/۶۴
۲۶			۰/۷۰

۰/۴۶			۲۹
۲/۱	۲/۴	۲/۹	مقدار ارزش ویژه
۱۰/۴	۱۲	۱۴/۳	درصد واریانس
	۰/۳۷		کل واریانس

۰/۴۲	کل واریانس

نتایج

به منظور بررسی تأثیر احتمالی متغیرهای جنسیت و محل سکونت بر سبک‌های هویت و تفکر از آزمون تی گروه‌های مستقل استفاده شد. با توجه به معنی‌دار نبودن نتایج، تأثیر این متغیرها در تحلیل‌های بعدی لحاظ نشد. در جدول شماره ۳ ماتریس همبستگی صفر مرتبه سبک‌های تفکر و سبک‌های هویت آورده شده است.

جدول ۳- ماتریس همبستگی سبک‌های تفکر و سبک‌های هویت

سبک	قانون‌گذار	قضاوتی	اجرایی	اطلاعاتی	هنجاری	گسیخته - اجتنابی
قانون‌گذار	۱					
قضاوتی	۰/۱۱	۱				
اجرایی	۰/۰۹	۰/۲۹**	۱			
اطلاعاتی	۰/۲۱**	۰/۳۷**	۰/۱۷*	۱		
هنجاری	-۰/۰۵	۰/۲۸**	۰/۳۴**	۰/۲۳**	۱	
گسیخته-اجتنابی	۰/۰۱	-۰/۱۶*	۰/۱۰	-۰/۳۰**	۰/۰۲	۱

** $P < 0.01$ * $P < 0.05$

همان‌گونه که یافته جدول نشان می‌دهد سبک قانون‌گذار تنها با سبک اطلاعاتی، و سبک قضاوتی با هر سه نوع سبک هویت و سبک اجرایی با سبک‌های اطلاعاتی و هنجاری رابطه‌ی معنادار دارند. علاوه بر ماتریس همبستگی با استفاده از روش پیشنهادی زانگ (۲۰۰۲b) تحلیل عاملی به روش اکتشافی مؤلفه‌های اصلی در قالب یک مدل دو عاملی انجام شد. پیش‌بینی آن بود که سبک‌های قانون‌گذار و قضاوتی همراه سبک اطلاعاتی تشکیل یک عامل و سبک‌های اجرایی و هنجاری تشکیل عامل دوم را بدهند. جدول شماره ۴ نتایج این تحلیل را نشان داده است.

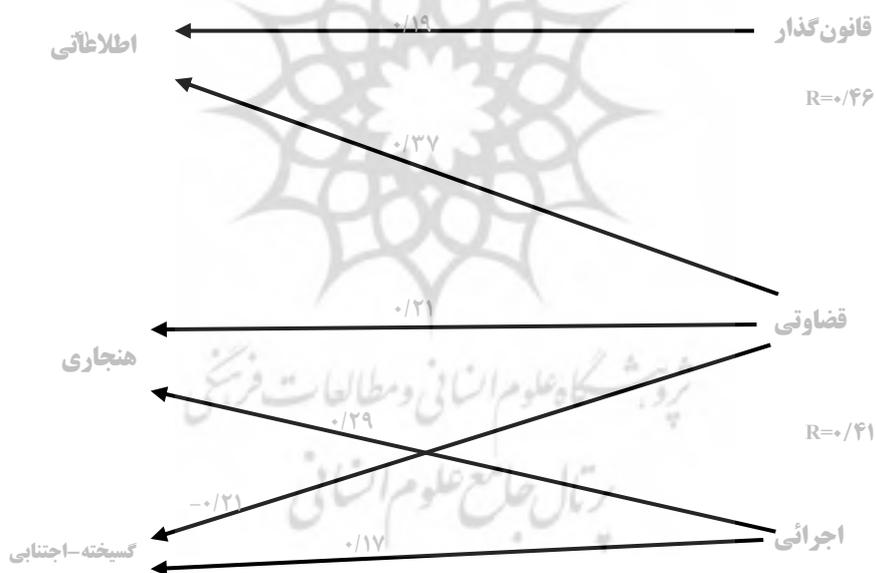
جدول ۴- تحلیل عامل سبک‌های تفکر و سبک‌های هویت

عامل ۲	عامل ۱	سبک‌ها
۰/۳۳		قانون‌گذار
۰/۵۳	۰/۵۲	قضاوتی
	۰/۷۹	اجرایی
۰/۷۶		اطلاعاتی
	۰/۷۴	هنجاری
-۰/۷۵	۰/۳۰	گسیخته

یافته‌های جدول شماره ۴ حاکی از آن است که سبک‌های اطلاعاتی قضاوتی، قانون‌گذار و اجتنابی - گسیخته یک عامل را تشکیل داده‌اند. البته سبک گسیخته-اجتنابی همبستگی منفی و بالایی را در این عامل نشان داده است. در عامل اول نیز

سبک‌های اجرایی، هنجاری و قضاوتی قرار گرفته اند. در واقع سبک قضاوتی واریانس مشترک با هر دو عامل دارد. سبک گسیخته - اجتنابی نیز با عامل اول رابطه‌ی ضعیفی دارد.

به منظور بررسی قدرت پیش‌بینی سبک‌های تفکر در ارتباط با هر یک از سبک‌های هویت از رگرسیون چند متغیره استفاده شد. هدف، تأیید یافته‌های مراحل قبل و تعیین سهم پیش‌بینی سبک‌های تفکر در مورد انواع سبک‌های هویت بود. نتایج در نمودار مسیر شماره ۱ آورده شده است. مسیرهای حذف شده به دلیل معنی‌دار نبودن ضرایب استاندارد رگرسیون حذف شدند.



شکل ۱- نمودار مسیر سبک‌های تفکر و سبک‌های هویت

همانگونه که در دیاگرام بالا مشخص است در سبک هویت اطلاعاتی، مطابق فرضیه‌ی تحقیق، سبک‌های قضاوتی و قانون‌گذار به ترتیب پیش‌بینی‌کننده، معنی‌دار بوده‌اند. در سبک هنجاری، سبک‌های تفکر اجرایی و قضاوتی به ترتیب از قدرت پیش‌بینی معناداری برخوردار بوده‌اند و نهایتاً در سبک گسیخته-اجتنابی، سبک تفکر قضاوتی به صورت منفی و سبک اجرایی به طور مثبت به ترتیب پیش‌بینی‌کننده، معنی‌دار بوده‌اند.

بحث

همان‌گونه که ذکر شد هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط کنش سبک‌های تفکر و سبک‌های هویت بود. یافته‌های حاصل از ماتریس همبستگی، تحلیل عوامل و رگرسیون مؤید بخشی از فرضیه‌های پژوهش بود. با توجه به ساختار سبک اطلاعاتی پیش‌بینی می‌شد که سبک‌های قانون‌گذار و قضاوتی پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی این سبک باشند که نتایج رگرسیون و تحلیل عامل مؤید این پیش‌بینی بود. اما نکته قابل توجه در این میان آن بود که در هر دو نوع تحلیل، سبک قانون‌گذار نسبت به سبک قضاوتی از پیش‌بینی و همبستگی پایین‌تری برخوردار بود. اگر در تعریف سبک فکری قضاوتی و سبک هویت اطلاعاتی غور شود روشن خواهد شد که نقد و ارزیابی، مؤلفه‌های مهم هر دو سبک می‌باشند ولی در تعریف سبک قانون‌گذار، عنصر خلاقیت و انتخاب فردی، مؤلفه محوری تعریف شده است. به همین لحاظ ارتباط قوی‌تر سبک قضاوتی و هویت اطلاعاتی قابل توجیه می‌باشد. به عبارت دیگر یافته‌های این پژوهش نشانگر آن است که سبک هویت اطلاعاتی، نوعی خود محوری در خلق هویت بدون ارزیابی نیست بلکه ارزیابی آنچه که موجود است و انتخاب هویت پس از ارزیابی است.

اما به هر جهت ارتباط سبک قانون‌گذار و هویت اطلاعاتی نیز تعیین‌کننده آن بخش از هویت است که جنبه‌ی انتخاب شخصی دارد. یعنی این سبک هویت به لحاظ شناخت‌شناسی هم بافت‌نگر است و هم ساختن‌گرا.

در ارتباط با سبک هویت هنجاری نیز نتایج ماتریس همبستگی، تحلیل عوامل و ضرایب رگرسیون بسیار جالب بود. این سبک هویت هم با سبک قضاوتی و هم با سبک اجرایی همبستگی معناداری داشته است. (در تحلیل عوامل، سبک قضاوتی بار عاملی بالا در هر دو عامل داشت و در معادلات رگرسیون سبک هنجاری توسط هر دو نوع سبک قضاوتی و اجرایی پیش‌بینی شد). نگاهی به تعاریف این سبک‌ها توجه مناسبی برای این ارتباطات فراهم می‌آورد. ارتباط معنادار سبک هنجاری و سبک اجرایی نشان از آن دارد که افرادی با سبک هویت هنجاری تمایل به پیروی و موقعیت‌های از پیش سازمان یافته دارند. ولی همبستگی این سبک با سبک قضاوتی نشان از آن دارد که این پیروی کورکورانه نیست و تا حدودی ارزیابی در این پیروی نقش دارد. البته قدرت پیش‌بینی پایین‌تر سبک قضاوتی نسبت به سبک اجرایی در معادله‌ی سبک هنجاری نشان از آن دارد که کفه‌ی ترازو بیشتر به نفع پیروی است تا ارزیابی. این نتیجه تا حدودی مغایر با نظریه برزونسکی در تعریف سبک هویت هنجاری است چرا که برزونسکی معتقد است در این سبک نقد و ارزیابی ارزشها، افکار و باورها مجالی ندارد و تعهد صرف بدون ارزیابی است.

در مورد سبک گسیخته - اجتنابی یافته‌ها تا حدودی مطابق انتظار نبود. پیش‌بینی می‌شد که سبک قانون‌گذار پیش‌بینی‌کننده‌ی منفی و معنی‌دار این سبک باشد که چنین نبود. اما در سایر موارد نتایج مطابق انتظار بود. منفی بودن پیش‌بینی سبک قضاوتی بر روی سبک گسیخته - اجتنابی و همبستگی پایین سبک اجرایی بر روی این سبک اولاً حکایت از آن دارد که در این سبک افراد از قدرت ارزیابی پایینی برخوردارند و در عین حال تکالیف ساختارمند را ترجیح می‌دهند. به هر جهت پایین

بودن ضرایب رگرسیون حکایت از آن دارد که استراتژی مشخص یا سبک تفکر خاصی ندارند.

یافته‌های پژوهش، همسو با پژوهش‌هایی است که رابطه‌ی سبک‌های تفکر را با رشد روانی اجتماعی، شناختی و تیپ‌های شخصیتی بررسی نموده اند. مثلاً (زانگ ۲۰۰۰a، ۲۰۰۰b، ۲۰۰۱، زانگ و استرنبرگ ۲۰۰۰) سبک‌های تفکر را به دو دسته تقسیم نموده و پژوهش‌های متعددی در زمینه‌ی ارتباط این دو گونه سبک با سازه‌های مختلف انجام داده است. سبک تفکر نوع اول شامل افرادی است که از سطح خلاقیت، زایش و پیچیدگی فکری بالاتری برخوردارند. (از بعد کنش، سبک‌های قانون‌گذار و قضاوتی جزو این گروه هستند) سبک تفکر نوع دوم، شامل افرادی است متمایل به هنجار، که تفکر ساده و غیر پیچیده دارند (از بعد کنش، سبک اجرایی جزو این نوع تفکر است). یافته‌های پژوهش‌های زانگ و دیگر محققان نشان‌دهنده‌ی ارتباط گونه اول سبک تفکر با عزت نفس بالا (زانگ ۲۰۰۱، زانگ و پوستیگلیون ۲۰۰۱) پردازش عمیق در یادگیری (زانگ ۲۰۰۰، زانگ و استرنبرگ ۲۰۰۰) و رشد شناختی (زانگ، ۲۰۰۲b) و روانی اجتماعی بالاتر (زانگ، ۲۰۰۲a) بوده است.

از سوی دیگر یافته‌های این پژوهش لزوم بازنگری مجدد یا نگاهی دقیق‌تر به نظریه سبک‌های هویت برزونسکی (۱۹۸۹، ۱۹۹۴) را می‌طلبد. به این مفهوم که سبک‌های مطرح شده توسط برزونسکی مانع الجمع یا قطبی نیستند و نباید نگاه مطلق به آنها شود بلکه در هر یک از سبک‌ها رگه‌هایی از ویژگی‌های سبک‌های دیگر وجود دارد چنانکه در هر دو سبک هنجاری و اطلاعاتی سبک تفکر قضاوتی یا ارزیاب‌کننده، پیش‌بینی‌کننده بود اما با دو مقدار متفاوت.

در مجموع یافته‌های پژوهش حاضر از دو جهت نظری و عملی جای تعمق دارد. به لحاظ نظری ارتباط سبک تفکر و هویت را روشن‌تر ساخت و نوعی روایی‌سنجی هر دو نظریه بود. از نظر عملی به دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت توصیه می‌کند که با فراهم

نمودن زمینه‌های مناسب جهت رشد سبک‌های خاصی از تفکر می‌توان به رشد هویت فراگیران نیز کمک نمود.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی ارتباط سایر ابعاد نظریه‌ی استرنبرگ یعنی سطوح، گستره‌ها، گرایش‌ها و اشکال سبک‌های تفکر با سبک‌های هویت، مورد بررسی قرار گیرد تا امکان اظهار نظر قطعی‌تر فراهم آید.

منابع

- امامی‌پور، سوزان، سیف، سوسن. (۱۳۸۲)، بررسی تحولی سبک‌های تفکر در دانش‌آموزان و دانشجویان و رابطه‌ی آنها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی. فصلنامه نوآوریهای آموزشی، شماره ۳، سال دوم، ص ۵۶-۳۵.

-Bezonsky, M. D. (1989). *Identity styles: conceptualization and measurement*. *Journal of Adolescent Research*. 4, 268-282.

-Berzonsky, M. D. (1992). *Identity style and coping strategies*. *Journal of Personality*, 60, 771-778.

-Berzonsky, M. D. (1994a). *Individual different in self-construction: The role of constructivist epistemological assumptions*. *Journal of Constructivist Psychology*. 7, 263-281.

-Berzonsky, M. D. (1994b). *Self-identity: Relationship between process and content*. *Journal of Research in Personality*, 28, 453-460.

-Berzonsky, M. D. (1997). *Identity style: current research and future directions*. Paper presented at the Meetings of society for research in identity formation, Miami Beach. FL.

- Berzonsky, M. D., & Sullivan, C. (1992). *Social-cognitive aspects of identity style: Need for cognition, experiential openness, and introspection*. *Journal of Adolescent Research*, 7, 140-155.
- Berzonsky, M. D., Macek, p., & Nurmi, J. E. (2003). *Interrelationships among identity process, content, and structure: A cross-cultural investigation*. *Journal of Adolescent Research*, 18, 112-130.
- Bustato, V. V., Prins, F. J., Elshout, J. J., Hamaker, C. (1999). *The relation between, learning styles, the big five personality traits and achievement motivation in higher education*. *Personality and Individual Differences*, 26, 129-140.
- Dollinger, S. M. (1995). *Identity styles and five factor model of personality*. *Journal of Research in Personality*, 29, 475-479.
- Nurmi, J. E., Berzonsky, M. D., Tammi, K., & Kinney, A. (1997). *Identity Processing orientation, cognitive and behavioral strategies and well being*. *International Journal of Behavioral Development*, 21, 3, 555-570.
- Strenberg, R.J. (1988). *Mental self-government: A theory of intellectual styles and their development*. *Human Development*, 31, 197-224.
- Strenberg, R.J. (1994). *Allowing for thinking styles*. *Educational Leadership*, 52,3, 36-40.
- Strenberg, R.J. (1997). *Thinking styles*. New York, Cambridge University Press.
- Strenberg, R.J. O'Hara, L.A, Lubart, T.J. (1997). *Creativity as an investment*. *California Management Review*, 40, 8-21.

- White, J.M., Wampler, R.S., Winn, K.I. (1998). **The Identity style inventory: A revision with sixth-grade reading level (ISI-6G)**. *Journal of Adolescent Research*, 13, 2, 233-245.
- Zhang, L.F. (2000). **Are thinking styles and personality types related?** *Educational psychology*, 20, 3, 271-283.
- Zhang, L. F. (2001). **Thinking styles and personality types revisited**. *Personality and Individual Differences*, 31, 883-894.
- Zhang, L.F. (2002a). **The role of thinking styles in Psychosocial Development**. *Journal of College Student Development*, 43, 5, 696-711.
- Zhang, L. F. (2002b). **Thinking styles and cognitive development**. *The Journal of Genetic Psychology*, 163, 2, 179-189.
- Zhang, L. F. (2002c). **Thinking styles and modes of thinking: Implications for education and research**. *The Journal of Psychology*. 136, 3, 245-261.
- Zhang, L.F., Sternberg, R.J. (2000). **Are learning approaches and thinking styles related? A study in two Chinese populations**. *The Journal of Psychology*, 134, 469-480.
- Zhang, L. F., & Postiglione G. A. (2001). **Thinking styles, self-esteem, and socioeconomic status**. *Personality and individual differences*, 31, 1333-1346.